

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Human rights

حقوق بشر

پیکان "بنوال"

۰۶ اپریل ۲۰۱۵

## کشته شدن فرخنده، توهینست به مقام تمام زنان کشور ما

عصر روز پنجشنبه ۲۸ حوت ۱۳۹۳ فرخنده از جانب عده ای که رسانه های دولت مزدور تبلیغ می کنند که این کار محصول احساسات یک عده اوباش و اراذل جنایتکار بوده، که در اثر تحریکات یک تعویذ نویس باعث کشته شدن و به آتش کشیدن وی شده است. تلاش براین صورت جریان دارد تا ثابت کنند که دستی درکار نبوده، بعد عده ای را زندانی کنند و قال قضیه را ختم کنند... واقعاً چنین است؟

ایکاش این کار چند اوباش می بود، در آنصورت، در موجودیت یک دولت که از آن مردم می بود، قوانین نافذه در کشور اجراء می شد و آن عده به سزای اعمال شان می رسیدند، کار درستی هم بود، اما در مورد فرخنده قضیه فرق می کند، چون او در زیارت بود، زیارت شاه دو شمشیره ولی؟؟!!!! می شود پرسید، آیا زیارتها و مساجد محل تجمع اوباشان است؟ اگر چنین است، باید ریشه های این محلات ناسالم را از بیخ و رُئ نابود کرد. تعبیر دیگری درین مسأله از نظر من وجود ندارد، منظورم اینست که نمی توان فرض کرد که این جاها محل تجمع افراد سالم، باوجدان و با شرف است؛ زیرا آنانی که وجدان و شرف دارند آدمها را به خاطر عقیده و طرز برخورد آنها نمی کُشنند به آتش نمی کشند، کاری که اینها کردند و مُهر تأیید آن را اوباشان سر اقتدار گذاشتند، ملا ایاز خطیب مسجد و سیمین حسن زاده کارمند بالا رتبه دولت مزدور در ابتداء گفتند که مردم؟ نمی توانند توهین به اعتقادات شان را تحمل کنند، دست به عمل می زنند. کاملاً درست است که کار اوباشان است. هرگاه دقت کنیم اراذل بی وجدان و اوباشان شرف باخته برمسند قدرت قرار دارند و ظاهراً کسانی از این گله های بی سر و پا اشک تمساح می ریزند، چنانکه محقق درمجلس فاتحه خوانی فرخنده شرکت کرد و مقامات مسئول راهشدار داد که باید پیگیری جدی صورت گیرد، و یا امرالله خواهان عدالت می شود.. وای چه روزگاریست که کشور درمند و مردم عذاب کشیده آن در چنگال چنین اهریمنانی اسیر اند و هیچ توانی ندارند که ره به جایی ببرند.

فرخنده بخواب، آسوده باش؛ چون توبعد از شهادت با چنین جامعه وحشی روبه رو نیستی، با مردمی که، اشتباه شد، منظورم بامردهائی که غیرت و همت شان فقط در ستیز و خشونت علیه زنان است، دیگر تو جور روبه رو شدن با چنین کتله ای را نمی کنی.

زن ستیزی در کشور ما شکل عنعنه را به خود گرفته، درست مثل مذهب که از پدر و پدر کلان برای ما به ارث رسیده، عطیه دیگرش تحقیر و توهین زنان است، البته پایه و اساس مذهبی هم دارد؛ شهادت دادن دو زن معادل

شهادت دادن یکمرد است ، از ارث نصف می برد و بسا موارد دیگری که از کتاب الله محمد آمده، این آیت ها واحادیث بیشماری که از پیغمبر ، در رابطه به زن آمده؛ آنقدر به خورد مردم داده شده که با وجدان راحت نقل قول می کنند که " زن ناقص العقل " است، حتی اگر این زن مادر و خواهر و همسر باشد. به معنی دقیق کلمه جزء فرهنگ جامعه شده ، تا جایی که زنان در سرزمین ما بخشی از این مزخرفات را بنا بر تسلط فرهنگ مرد سالار پذیرفته اند. توجیه این اسارت شرم آور است. درین میان اگر عده ای از مردان وجود دارند که مدعی تساوی حقوق زن و مرد اند از راه های دیگری زن را تحت فشار و کنترل قرار می دهند، نمونه های زیادی وجود دارد که ذکر آن به دور از موضوع است؛ جزء ذهنیت مردان شده ، که برتر هستند. زن اگر صدای اعتراض بلند کند، مهم نیست از کدام دید است، سرکوب می شود تا دیگری جرأت نکند که صدا بلند کند، پذیرفته شده که زن باحیا صدایش را بلند نمی کند، وگرنه برخوردی که با فرخنده شده با فرخنده ها ادامه خواهد داشت.

روح شاد فرخنده!!

خونت که ریختانده شد بعد قاتلان بد سگال جسمت را به آتش کشیدند تا صدای اعتراضت خاکستر شود و باد ببرد ، اما نتوانستند، وحشیگری آنها و مظلومیت تو بسا نکته ها را بر ملا ساخت:

۱- چیزی را که دولت دست نشانده درین چارده سال نشخوار می کند ، که گویا دمکراسی و آزادی بیان ارمغان سر سپردگی آنهاست بطلان آن در سطح کشور خود ما و جهان صورت گرفت ، مرگ سنگینی داشتی؛ نقاب از چهره ها برگرفتن بخشی از دمکراسی امپریالیزم نیست ، شما آزادی به آنچه ارباب دستور می دهد بتازید ، بگوئید تا نه گفته باشید ، و اگر کسی جرأت کرد و نقاب از چهره کس و یا کسان خواست بردارد؛ سنگسار می کنند ، باچوب وچماق می زنند ، از دیوار و بام پائین می اندازند بعد آتش می زنند ، که باتو همه اینکارها صورت گرفت...  
خاطرت تابناک !!!

۲- میرهن و روشن گردید که باندهای آدمکش اخوان الشیاطین، جنگ سالاران، طالبان و تحفه جدید امپریالیستها "داعش" در هرم قدرت تکیه زده اند. هر بخش قتل فرخنده نماد و بیان یک تیپ اخوانیزم است ، سنگسار ؛ کار طالبی، زدن و کشتن و بی سیرت کردن؛ کار جنگ سالاران بی وجدان و آتش زدن، بیان به شیوه داعش. باچه کینه و بیرحمی کشتند ، تا اخطاری باشد به همه زنان کشور ، هر گاه اعتراضی کنند بدینگونه با آنها سلوک می شود، توهین ، تحقیر به کار گیری کلمات مستهجن و در نهایت مرگ.. مرگ تو توهین به همه زنان کشور است. و حالا دادخواهی از این دولت ضد ملی توهین به قتل فرخنده است.

یک نکته را به زنان کشور یادآور می شوم، آرامش و سربلندی فرخنده های کشورما در خُرد کردن زنجیر های اسارت است، در نابودی افکار و عقاید منسوخ و تاریخ زده است، درویرانی برج قدرت مرد است؛ و این همه زمانی میسر خواهد شد تا دولت مزدور و اربابان قدرت منکوب گردند و طوفان خشم مردم همه این قاتلان و جیره خواران استعمار را نابود کند.

زنان با شهامت و تابو شکن که تابوت فرخنده را بر دوش کشیدید ، خون فرخنده جرقه است ، آگاهی و رهبری سالم و هدفمند می تواند آن را به حریق مبدل کند که ارمغان آن آزادی واقعی زن باشد ، دیگر در مقام شخصیت تصمیم گیرنده و اثر گذار در جامعه ظاهر شود و ازگزند هجوم اخوان در امان باشد ، انگه ست که فرخنده و صدها و هزاران فرخنده آسوده می شوند ، و خاطره فرخنده تابناک می گردد.